



۲۰۱۷/۰۵/۱۴



بصیر صباح

فریادی از بی عدالتی و زورگویی

قسمت اول



آیا؟
بنی آدم
اعضای
یکدیگرند



«احسان پدر»
دخترک از پدر پرسید: پدر جان چه وقت خوشحال میشوی؟
پدر گفت: وقتی لبخند روی لبانت بینم...
دخترک پرسید: چه وقت لذت میخوری؟ پدر گفت: روزی که دست خالی به خانه برگردم
دخترک گفت: پدر جان دست خالی که آمدی من میخندم تا تو خوشحال شوی.

در حکومت غنی، کاهش شدید رشد اقتصادی و گسترش نا امنی، فقر و بیکاری افزایش یافته است. فقر در افغانستان در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به ۳۶ درصد می‌رسید و این رقم در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ سه درصد افزایش یافت و به ۳۹ درصد رسید و این وضعیت به این معناست که ۱,۳ میلیون افغان اکنون قادر به تامین نیازمندی‌های خوراکی و غیرخوراکی خود نیستند. ارقام سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ نشان دهنده وضعیت بدتر فرصت‌های کاریابی است و از سال ۲۰۱۲ به بعد بیکاری در ولایات و ولسوالی‌ها سه برابر افزایش یافته است. در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ تقریباً دو میلیون افغان بیکار بودند که از آن جمله ۶۰ درصد آنان مردان و ۷۴ درصد از این بیکاران در منطقه‌های روستایی زندگی می‌کردند. جوانان و کارگران بیسواد قشرهایست که بیشترین ضرر را متحمل شده‌اند، چنانچه در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ از میان هر سه جوان، بین سن ۱۴ تا ۲۴، یکی از آنان بیکار بوده‌اند که سهم بیکاری جوانان ۴۶ درصد از کل افراد بیکار را تشکیل می‌داد. پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی افغانستان به گونه‌ی فزاینده با خطر رو به رو است و دلایل مختلف معتبر نشان می‌دهد که سطح فقر بیشتر از پیش افزایش یافته است. با افزایش میزان نا امنی، شکنندگی وضعیت کشور بیشتر شده و زندگی مردم بیشتر از پیش با "موانع و مشکلات غیرمترقبه" آسیب پذیر شده است. این کشمکش‌ها احتمال

این را که فقر از نسل امروزی افغانها به نسل بعدی انتقال یابد بالا می برد؛ چون برای کودکان زمینه رفتن به مکتب مهیا نبوده است و بیشترین خانواده ها ناگزیر بیجا شدند.

قریب یک میلیارد نفر از مردم جهان در فقر و بدبختی به سر می برند. مطابق احصائیه های رسمی اکثریت قابل توجهی از گرسنگان در کشورهای کمتر توسعه یافته جهان سوم سکونت دارند. طی گزارش های سازمان خوراکه و زراعت جهانی (FAO) تعداد گرسنگان جهان هر روز افزایش فوق العاده یافته، با ادامه بحران کمبود مواد غذایی و تکرار فاجعه انسانی در اقصی نقاط جهان خطری بزرگ نسل بشریت را تهدید می کند. به یقین گرسنگی سلاحی مرگبار و غیر انسانی است که در حال حاضر از هر شش نفر جان یک نفر را تهدید می نماید. اگر حکمرانان جهان برای گرسنگان کاری نکنند، قطعاً در آینده ای نه چندان دور مهار این فاجعه خاموش غیرممکن خواهد بود. سازمان های بین الملل باید با درک شرایط حساس کنونی برای کاهش تعداد گرسنگان و تأمین امنیت غذایی آنان چاره ای بیندیشند. جهان خفته در هیاهوی شهر نشینی دیگر صدای کودک رنگ پریده آفریقایی یا دیگر کودکان گرسنه جهان را نمی شنود که از سوء تغذیه چشمانشان از حدقه درآمده و استخوان بدنشان زیر پوست خشکیده شان نمایان است. همه ما از هر نژاد، قومیت و نسلی که باشیم انسانیم. باید به حرمت انسان بودن مان ضمن احساس همدردی، در پی التیام درد های یکدیگر باشیم. اینک ضمن احترام به همه خیرخواهانی که در پی درمان دردهای بشریت آستین همت بالا زده اند و برای پایان بخشیدن به هیولای زشت گرسنگی و نابرابری در دنیای پرتلاطم امروز از هیچ کوششی دریغ نکرده اند، مجموعه نوشته ای تحت عنوان "پرسش های بی پاسخ"، که یادآور سرنوشت درد آور کودکان گرسنه یا بهتر بگویم همه گرسنگان تاریخ است را تقدیم می نمایم، امید است همه ما انسانها بتوانیم با احساس مسئولیت در برابر یکدیگر به خصوص خیل عظیم گرسنگان، مبارزه جدی و عملی با این پدیده شوم و درد خانمانسوز را آغاز نمائیم که این مهم تنها با تکیه بر ایمان قلبی و تعهد انسانیمان برای پایان بخشیدن به تراژدی هولناک مرگ گرسنگان استوار خواهد بود.

آیا ملت های گرسنه و سیر می توانند متحد شوند؟

روزی که انسان به فکر تسخیر جهان افتاد و اپولو ۱۱ اولین سفینه فضایی این موجود ناشناخته و حریص را در سال ۱۹۶۹ بر فراز ماهتاب فرود آورد، آنروز قلب بشر آرام گرفت. ما جهان را فتح کردیم و بر بلندی بی آن سیاره خاموش قدم گذاشتیم.

خبر پرواز انسان به دنیای بیکران و فتح ماه جهانیان را در بهت و حیرت فرو برد.

خبرهای خوشی از پیشرفت تکنولوژی، اختراعات عظیم و باورنکردنی یکی پس از دیگری به گوش می رسید. انقلابی عظیم در دنیای کوچک انسانها رخ داده بود، پرواز بر فراز آسمان، ساخت ریل های سریع و سیر، کشتی های عظیم الجثه، فضا پیمای های فوق مدرن که تا اعماق فضا پیش می رفتند، پیش بینی حوادث طبیعی و غیر طبیعی توسط رادارهای پیشرفته و کشف اسرار آمیز انرژی اتمی و علوم جدید همه و همه نشانی از عظمت، قدرت و خلاقیت دنیای بشر داشت. اما بلافاصله خبرهای تلخی از گوشه و کنار جهان به گوش انسان ها رسید، خبرهای تهدید کننده جان بشریت در دنیای توسعه یافته برآستی تعجب آور بود.

با عناوین بزرگ روزنامه های پرطرفدار جهان نوشتند: "گرسنگی جان بیش از یک میلیارد انسان را تهدید میکند

"

این خبر قابل تأمل ساکنان تنها سیاره ثروتمند و حیات بخش کهکشان را خیلی متحیر کرد بود، آیا براستی انسان گرسنه ای وجود دارد؟ گرسنگی حقیقت زندگی فرزندان زمین ثروتمند است. جای جای این کره خاکی طعم تلخش را چشیده اند؛ وطن ما، وطن شما و در سرزمین های دوردست تر در روستاهای دور و نزدیک شهرها؛ کوچه ای که در آن زندگی می کنیم یا حتی همسایه دیوار به دیوار خانه مان که خبر نداریم.... همه جا انسان گرسنه وجود دارد. از دیر باز تا کنون بلایای طبیعی زیادی جان انسان ها را تهدید کرده است. سیل، زلزله، آتش سوزی و دیگر خطرات طبیعی به نوعی بلای جان انسان بوده اند. اگر بخواهیم در بین حوادث بی شمار طبیعی و غیر طبیعی که لطمه های جبران ناپذیری بر پیکر آسیب پذیر نسل بشر از ابتداء تا کنون گذاشته، به یقین گرسنگی و فقر را می توان یکی از دردناک ترین حوادث ناخواسته قرون گذشته و حال دانست که میلیونها انسان بی گناه و بی دفاع را قربانی نموده است.

دردهایی از قبیل: خودکشی خانواده هندی، فروش پسر کوچک خانواده بنگالی، قاچاق کودکان و نوجوانان آسیایی و آفریقایی، شکستن دست و پای کودک پاکستانی توسط پدر سنگ دل و بیرحمش برای مقاصد شوم و غیر انسانی گدایی و تکدی گری، راهزنی و گروگانگیری، مکیدن پستان خشکیده آن گاو توسط کودک گرسنه آفریقایی، و هزاران فاجعه آشکار و نهان دیگر، همه و همه دردهای مشترک بشریتند.

پرسش اساسی اینجا مطرح است که چگونه می توان بیش از یک میلیارد انسان گرسنه جهان را از عفریت مرگبار گرسنگی نجات داد؟ آیا تا کنون کسی به داد خواهی این ستم دیدگان زمین پاسخی داده است؟ نباید فراموش کنیم رنجی که بر انسان گرسنه امروز و دیروز تحمیل شده؛ نتیجه بی عدالتی و جمع شدن ثروت و منابع غذایی در انحصار گروهی انسان خودخواه، فرصت طلب و بی رحمی است که به ناحق با اعمال سیاست های ضد بشری و نادیده گرفتن حقوق انسانی ملت ها، اکثریت قابل توجهی از درماندگان و فقراء را بی شرمانه گرسنه نگه داشته اند. پس سکوت ما در برابر گرسنگی انسان ها چه معنایی دارد؟

شاید شنیده باشید کشورهای مرفه جهان برای تعادل و حفظ قدرت تسلط بر بازارهای جهانی سالانه هزاران تن گندم و سایر حبوبات را به قعر ابحار می ریزند؛ تا جایی که صاحبان شرکت های بزرگ این روند را عاملی جهت جلوگیری از خطر تولید اضافی محصولات خود توجیه می نمایند. اما در مقابل این اقدام شرم آور، در کشورهای مختلف جهان حتی ممالک توسعه یافته، میلیونها انسان سرگشته و گرسنه برای سیری شکم خود شرف و حیثیت شان را می فروشند و یا مظلومانه بر اثر گرسنگی جلوی چشم کور آنان جان می سپارند. این نابرابری زشت و رفتارهای غیر انسانی و اقعیت های تلخ دنیای به خواب رفته مدرن است که همچون کرم ابریشمی تارهای محکم و بی روزنه ای به دنیای اطراف خود تنیده است و بی خبر از زندگی وحشت بار انسانهای پیرامون خود بدون دغدغه و احساس مسئولیتی، سالهاست شاهد پر ادعای مصیبت های جانسوز بشر می باشند. دغدغه ذهنی نسل گرسنه امروز پرسش بی جواب همیشگی است که باید نسل مرفه امروز پاسخگوی آن باشد. گرچه این عوامل غیر انسانی رابطه مستقیم با اندیشه های غلط نظام سرمایه داری، باورهای بی اساس نسل های گذشته در تقسیم بندی بشریت به طبقات چند گانه و در حقیقت زیاده خواهی و طمع ورزی انسان حریص و سیری ناپذیر این عصر دارد.

از کی وجه چیز هایی باید پرسید؟!

از زندگی پرتنش بشر و دردهایش؟!!

از روزگار سخت و حوادث ناگوارش؟!!

از وعده های پوچ بهبود اوضاع اقتصادی کشورهای فقیر که هرگز جامه عمل نپوشیده است؟

از رویدادهای تکان دهنده ای که هر روز به عنوان خبری مهم در صفحات روزنامه ها، جراید و دیگر رسانه های

دیدنی و شنیدنی بدون تجزیه و تحلیل و عواقب ناگوار آن منتشر می شود؟!!

از جنگ افروزان تا دندان مسلح، که صدای موزه های پولادینشان گوش عالم و آدم را کر نموده است؟!!

از مدعیانی که ژست نجات می گیرند و خود حلقه های در هم تنیده اسارت را به گردن ملت ها آویخته اند؟!!

از انسان های گرگ صفتی که بی رحمانه در پی غارت ثروت کشورهای فقیر و گرسنه به کمین نشسته اند؟!!

آنان که با حکم چماق، زور اسلحه و تانک با کودتای خشن به تغییر حکومت های مردمی مشغولند و مدعی

اعطای نشان آزادی به انسانهای گرسنه سرزمین های دور و نزدیک می باشند. از منادیان حقوق به اصطلاح بشر

باید سراغ سیری شکم خود را گرفت.

آنان که این واژه های فریبنده و دهان پرکن را ابزاری برای سرکوب و به بند کشیدن انسان ها قرار داده اند،

شعار برابری و برادری انسان ها را سر می دهند و با ریسمانی از رنگ سیاه و سفید به تقسیم ظالمانه بشریت

همت می گمارند؛ جهان را با کشانیدن به جنگ و خشونت به سرزمین های پر خطر و ناشناخته ای مبدل کرده اند

و گورستان ها را به برکت وعده های میان خالی رونقی دیگر داده اند.

